



# نامه‌های وزیر مختار ایران

در فرانسه

به وزیر امور خارجه ایران

در زمان سلطنت ناصرالدین شاه

«۵»

از

سرلشگر محمود - کی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

عریضجات مورخه ۱۷ شهر ذی القعدة ۱۲۹۵ نمره ۱۲۹ مشتمل بردوازده ظفرا

خداوندگارا تعلیقه جات رفعت آیات مورخه ۲۸ شهر رمضان۔  
المبارك شرف وصول ارزانی، از زیارت آنها و از ظهور مراحم  
حضرت اشرف ارفع بندگانهالی در حق فدوی علی غیر النهایه  
مفاخرت و سرافرازی حاصل شد. در باب قیمت موزیک که مقرر شده  
بود تعیین و مشخص شود اگر چه از بیلاق یک مرتبه قیمت آنرا  
معروض داشته ام ولی بحکم ضرورت و بعد از تحقیق مجدد معلوم  
شد که چنانکه در عریضه سابق برحسب برآورد عرض شده بود،  
قیمت سه دست موزیک که هر دستی شصت نفری بوده باشد، معادل  
بیست و نه هزار و یکصد و نود فرانك است، بقدر یک هزار  
فرانك هم اسباب یدکی لازم دارد. برای صندوق چینی و چوبی و  
باربندی نیز بقدر شصت الی هفتاد تومان خرج دارد، کرایه هم  
باید علاوه بشود، آنهم غیر معین است. در باب ایصال وجه مزبور  
استفسار فرموده بودند، معلوم است باید در پاریس نقد برسد.  
صاحب کارخانه را تا بحال بهر قسمی بوده ساکت کرده ام. خدا  
نخواستہ هرگاه بنای مرافعه را بگذارد، رسوائی عالم را خواهد  
گرفت و همه سعی و کوشش های ما در تحصیل نیک نامی و خوش  
حسابی بهدر خواهد رفت و دوباره دچار طعنه و هدف تیر ملامت  
خواهیم شد دیگر اختیار با اولیای دولت است.

\*\*\*

در باب قیمت نشان مادام لامارشال مکماهون و در خصوص بعضی مخارج دیگر از قبیل تلگرافهای ایت تیل و مخارج سفر روم و ولادی قفقاز و وین و سناواتی و غیره امر فرموده بودند که تفصیلات را صورت صحیح نوشته بعرض برسانم ، اگر چه صورت حساب این قبیل مخارج را مکرر بعرض رسانیده‌ام ولی محض اطاعت او امر عالیّه مجدداً همه مخارج مزبوره را فرداً فرداً در صفحات علیحده نوشته و با همین پست نزد عالیجاه مقرب‌الحضرت باباخان فرستادم که در موقع بعرض حضور مبارک برساند ، وحواله آنها را گرفته وجه مخارج مزبوره را زود وصول کرده بفدوی برساند . چون از بابت نرسیدن این قبیل مخارج خسارت زیاد بفدوی رسیده و میرسد ، لهنذا حضرت اشرف امجد بندگانعالی را بنخداوند متعال قسم میدهم که برای خدا و پیغمبر بیش از این راضی بخانه خرابی فدوی نشده قرار وصول و ایصال این همه مطالبات را بطوری بدهند که بیش از این بعهده تعویق نیفتد و باعث خانه خرابی فدوی نشود .

\*\*\*

چند روز قبل براین مسیو فرمی را دیده در باب سه پروژه خود جو یا شد ، گفتم رسیده ولی در مجلس شورا بمذاکره نرسیده است ، انشاءالله عنقریب جواب کافی خواهد رسید . در باب یکصد و پنجاه هزار تومان که از بابت مخارج مهندسین و ادنستراتور قید کرده بود دولت علیه بدهد ، بمشارالیه حالی کردم که این تکلیف برای دولت علیه خیلی شاق است و مقبول نخواهد افتاد . گفتم در صورتیکه هر سه پروژه مرا قبول فرمایند ، مخارج حضرات را من از خودم میدهم و همه کارها را بدون کم و زیاد چنانکه نوشته و قید شده

است صورت انجام میدهم . خوب است حالا باو يك جواب داد  
یا رد یا قبول .

\*\*\*

راست است دولت تونس بدولت مستقله معرفی نشده است  
ولی نشان آندولت که در همه جا معتبر و مقبول است ، در صورتیکه  
اولیای دولت علیه نتوانند خود را بمبادله نشان با آن دولت راضی  
نمایند اقلا استدعای مسیوژول دسپس را رد نفرمایند و در اعطای  
نشان شیروخورشید یکی برای خود او و دیگری برای دما د بیک  
تونس مضایقه نداشته باشند . مسیوژول دسپس خودش و برادرش  
آدمهای خیلی معتبر و صاحب اسم و رسم اند پسر بیک تونس هم  
که جای خود دارد . بعد از آنکه چنین اشخاص طالب نشان شیروخورشید  
باشند ، آنها از درجه دویم چگونه میشود از آنها دریغ داشت ؟  
اعتقاد بنده اینست که عنایت بشود ، مناسب تر است . هر چه در  
این باب عرض شود ، عین جسارت است .

\*\*\*

برای اجزای احتساب پاریس که در گراند هتل مشغول  
خدمتگذاری بودند ، بنا باستدعای فدوی دو نشان عنایت و بعد از  
مراجعت فدوی از وین تبلیغ شد ، اما از قراریکه معلوم میشود دو  
نفر دیگر بواسطه زحمت‌هاییکه کشیده‌اند ، استحقاق نشان  
شیروخورشید را بهم رسانیده‌اند : یکی مسیوبریسو و دیگری  
مسیولاندری است . استدعا دارم فرمان نشان این دو نفر را یعنی  
اولی را از درجه چهارم و دویمی را از درجه پنجم مرحمت فرمایند .  
هرگاه برای مسیوزیکو رئیس احتساب هم از درجه دویم مرحمت  
شود خیلی بجا خواهد شد ، زیرا که در این سفر خیلی زحمت کشیده  
و استحقاق بذل مراحم و عوطف ملوکانه را بهم رسانیده است .

\*\*\*

ده دوازده روز قبل براین در عمارت ورسای مهمانی بزرگ داده بودند، کلنل لامورل را دیدم . بعد از احوال پرسی معلوم شد که مشارالیه را در اوایل همین ماه مهماندار حضرت ولیعهد سوئد و تروژ قرار داده بودند . از قراریکه میگفت در وقت رفتن از جانب آن دولت يك قطعه نشان و يك حلقه انگشتر الماس باو مرحمت شده است . از این حرف او چنان استنباط کردم که علاوه بر نشان شیروخورشید که از جانب دولت علیه باو عنایت شده ، منتظر ظهور مرحمتی دیگر هم بوده است . از جاهای دیگر هم شنیدم که موافق رسوم متداوله می بایستی يك یادگاری باو مرحمت شود ، حالا هم موقع نگذشته است می توان از ایران يك حلقه انگشتر که اقلاً یکصد و پنجاه تومان ارزش داشته باشد برای او فرستاد . در همان شب حضرت پرنس دکال ولیعهد انگلستان در آنجا تشریف داشتند با فدوی خیلی اظهار مرحمت کردند و بعد از استفسار از احوالات همایونی فرمودند در وقت عریضه نگاری مراتب مودت و سلام خالصانه مرا بخاکپای مبارک اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه برسائید عرض کردم اطاعت خواهد شد .

\*\*\*

دروین برای مسیو هرز و برای مسیو مارتین نشان از درجه چهارم عنایت شد . فرمان این دو نفر تا بحال نرسیده است ، هر دو التماس دعا دارند و استدعا میکنند که التفات فرموده خود را در حق آنها دریغ ننموده فرمان آنها را مرحمت فرمایند . مسیو هرز کاغذی در باب فرمان خودش بفدوی نوشته است . اینک لفاً انفاذ میشود . چون هر دو خدمتگذارند و در این مسافرت مصدر خدمات شده اند ، لهذا استدعا دارم که فرمان نشان هر دو را مرحمت نموده ، انفاذ

فرمایند تا اینکه بتوانند نشان خود را استعمال کنند.

\*\*\*

عالیجاه مسیو هرمان ویس قونسول دولت علیه از چهارده سال متجاوز است که بخدمتگذاری مشغول است و در این مدت از خدمات مرجوعه آنی تغافل نورزیده و بهمه جهت استحقاق التفاتهای اولیای دولت علیه را داشته و دارد. چون مدتی است نشان از درجه چهارم باو رسیده است، لہذا استدعا دارم که درجه نشان او را التفات فرموده ارتقاء بدهند، یعنی نشان از درجه سیم باو عنایت فرمایند.

\*\*\*

از توجه و مرحمت حضرت اشرف ارفع بندگانعالی لوائی ملازم این سفارت صاحب پنجاه تومان موجب شد و شب و روز دعا گواست. حالا برای تکمیل این مرحمت، استدعا دارد که موجب او در جزو مقرری و یابرات این سفارت از امسال بطوری صادر و حواله شود که دیگر در آینده از قلم نیفتد. امیدوارم که این استدعای او بمعرض اجابت رسیده مقبول خاطر خطیر حضرت بندگانعالی خواهد افتاد.

\*\*\*

هنگام توقف موکب همایونی در پاریس، اعلیحضرت اقدس همایون روحنا فداه دو عراده کالسکه درسکسیون ایتالیا و چند پارچه بلور نفیس درسکسیون فرانسه انتخاب فرموده بودند. چون خارج کردن آن اسباب از عمارت اگسپوزیسیون برای آنها غیر مقدور بود، نتوانستند در آنوقت اسباب منتخبه را تحویل دهند. حالا بلور فروش از جانب خودش و کالسکه ساز بنا بسفارشنامه ایلچی ایتالیا به این سفارت آمده، اظهار کردند که اسباب منتخبه حاضر است. هرگاه رأی جهان آرا تعلق بابتیاع آنها گرفته و خاطر مبارک از آن میل اولی

منصرف نشده باشد، اسبابها را تاوقت وصول جواب این عریضه نگه خواهند داشت که ازقرار او امرجهانمطاع رفتارشود.

\*\*\*

اگسپوزیسیون در دهم این ماه نوامبر که مطابق چهاردهم شهر حال بوده است، بسته شده. پیش از بستن، امتعه دولت علیه بمسیومنیه جنرال قونسول دولت علیه تحویل شد که باطلاع مشارالیه حسب الامر اولیای دولت علیه بلا تأخیر در حراج فروخته شود. در این ضمن تلگرافنامه حضرت اشرف ارفع بندگانعالی که در جواب تلگراف فدوی فرستاده بودند رسید. بمحض وصول آن بموجب اشاره که فرموده بودند در تعجیل فروش مال دست نگه داشته، قرار شد که امتعه دولت بمرور یعنی بدفعات در ظرف دوسه ماه حراج شود و انشاءالله باین طور بهتر از طرز اولی در حراج بفروش خواهد رسید. معلوم است که در خدمتگذاری و صرفه جوئی نهایت جسد و جهد خواهد شد که امتعه دولت در حراج خوب بفروش برسد و در فروش افراط و تفریط نشود، اما از قراریکه مذکور میشود و خود حضرت اشرف ارفع بندگانعالی عیناً ملاحظه فرموده اند این امتعه دولتی چندان امتیاز ندارد و هرگز یک ثلث قیمت خود را در نخواهد آورد، تا خدا چه تفضل و چه تقدیر کرده باشد. مقرب الخاقان میرزا جوادخان بعد از انجام کارهای محوله در همین چند روز چنانکه بموجب تلگراف امر شده است عازم و روانه ایران خواهد بود. نوشته که در باب تحویل امتعه لازم است در دست داشته باشد از جانب این سفارت بمقرب الخاقان مشارالیه داده خواهد شد.

\*\*\*

دروین دو قطعه مدال طلا و دو قطعه مدال نقره برای اهل بولیس پاریس و یک نفر آدم وزارت امور خارجه استدعا کرده بودم و قبول



شده بود، اما از آنجائیکه مدالها تمام شده بود، مرحمت نشده استعدا دارم که مدالهای مزبور را با احکام آنها التفات کرده عنایت فرمایند که بصاحبانش برسانم .

۱۷ شهریور قعدہ ۱۲۹۵

عریضجات مورخه ۱۴ شهر ذی حجه الحرام ۱۲۹۵ نمره ۱۳۰ مشتمل بر دو طفره

خداوندگارا تعلیقات رأفت آیات مورخه ۱۱ شهر ذی قعدہ الحرام شرف وصول بخشید و از زیارت آنها نهایت افتخار حاصل شد. اشاره فرموده بودند قرار نامه راه آهن را عنقریب ارسال خواهند فرمود، بدبختانه تابحال نرسیده و نرسیدن آن باعث یأس و دلسردی مسیو الیون و شرکای او شده است. قول این شخص در پیش مردم بواسطه همین تأخیر از درجه اعتبار ساقط شد و حالا مردم چندان اعتمادی بقول او و بقول ما ندارند. حالا دیگر هرگاه قرارنامه برسد و به آنطوریکه می بایستی جلوه داشته باشد خدا نکرده نکث نکند، امیدوارم تقصیر برعهده ماها وارد نیاید. زیرا که درخواستن آن هیچ کوتاهی نکرده ایم و انشاءالله بعد از رسیدن هم آنچه از دستمان برآید در پیشرفت آن کوتاهی و فروگذاری نخواهد شد تا اینکه از فضل خدا این عمل رواج پیدا بکند. مسیو فابیوس منتظر وصول وجه برات است. تا یک ماه دیگر وصول شده، وجه قیمت اسباب لازمه کارخانه کازرا کارسازی نموده و آنها را تحویل کرده، اورا بدون معطلی روانه خواهم داشت و باید مواجب ششماهه اورا هم داد، باموجب استادی که اجیر کرده است. اینها همه اسباب ضرر است. چه باید کرد هرگاه وجوهات درموقع رسیده بود، دچار این همه ضررها و خسارتم نمی شدیم. درباب تحصیل نشان برای ثواب وجیه الله میرزا حالا که اجازه رسید درموقع اول دست بکار

شده امیدوارم از درجه که مناسب شأن نواب معزی الیه بوده باشد، نشان برای ایشان تحصیل کرده، بفرستم. مقرب الخاقان میرزا جواد خان از ده روز متجاوز است از پاریس حرکت کرده، عازم شده است امتعه اگسپوزیسیون در منزل مسیومنیه جنرال قونسول دولت علیه امانتاً سپرده شده است و انشاءالله آخر اینماه که اول سال عیسویان است و بهترین موقعها است در هتل درواو که حراج خانه پاریس است شروع بحراج خواهد شد و معلوم است همینکه امتعه مزبوره بتمامه حراج شد حاصل فروش را بعرض اولیای دولت خواهم رسانید. میرزا جوادخان که معادل بیست و سه هزار فرانک از بابت اگسپوزیسیون خرج کرده و از مسیومنیه قرض گرفته بود، پیش از حرکت از اینجا نوشته رد و بدل کرده است که وجه طلب مسیومنیه از قیمت امتعه مزبوره برسد. حالا معلوم نیست این اسبابها بچه قیمت بفروش خواهد رسید و چه قدر از فروش آنها عاید خواهد شد. خلاصه هرچه شد باید اول طلب مسیومنیه را داد. هرگاه زیادی ماند اضافه مال دولت است و هرگاه کسر آمد باید ب فکر ادای تتمه طلب مسیومنیه افتاد. انشاءالله همین که فروخته شد این فقره معین و مشخص خواهد شد و بعرض اولیای دولت علیه خواهد رسانید.

پوشگاه علوم \*\*\* مطالعات فرهنگی

بتاریخ ۲۷ ماه نوامبر باین مضمون تلگراف فرستادم: (پاویلیون یعنی عمارت اگسپوزیسیون را دو هزار فرانک قیمت میدهند. آیا باید آنرا به آن قیمت فروخت و یا اینکه از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه بشهر پاریس بخشید؟) جواب این فقره نرسید و از این طرف اجزای کمیسیون فرانسه زور آورده اند که باید عمارت مزبور را از تروکادرو برداشت و زمین صاف شده را تسلیم کارگذاران شهر پاریس نمود. هرگاه بنابراین باشد پاویلیون را ما خودمان بدهیم خراب کنند،

میترسم آن دوهزار فرانک را هم در نیاورد و هرگاه بفروشیم دوهزار فرانک قابل این نقلها نیست . اعتقادم این است که چنانکه پاولیون اگسپوزیسیون وین بشهر وین مرحمت شد پاولیون اینجا نیز بشهر پاریس عنایت شود و الا بمرقسمی که مقرر شود، از آن قرار رفتار خواهد شد . استدعا دارم جواب این فقره را با تلگراف اعلام فرمایند تا فرصت از دست نرفته است تکلیف معین شود . مدتی است در روزنامه‌ها شهرت داده‌اند که پاولیون مزبور از جانب سنی‌الجوانب اقدس همایون بشهر پاریس عنایت شده است، حالا هرگاه طور دیگر بشود بد نما خواهد شد دیگر اختیار با اولیای دولت ابد مدت علیه است .

#### عریضجات مورخه ۲۳ شهر ذی‌حجه الحرام ۱۲۹۵ نمره ۱۳۱ مشتمل بر دو طغرا

خداوندگارا قرارنامه راه‌آهن از انزلی تا طهران که باید با عالیجاه مسیو الیون امضاء و مبادله شود ، با فرمان مهر لمعان که برای استحکام و استقرار قرارنامه مزبور با اختیار همایونی که بافتخار این فدوی شرف‌صدور یافته بود ، در تلو پاکت تعلیقجات مورخه ۱۷ شهر ذیقعدمه عز وصول ارزانی داشت و بعد از رسیدن به عالیجاه مسیو الیون اطلاع داده و مشارالیه را از شهر کان که محل اقامت اوست به پاریس دعوت کرده تا آمده از جانبین بمبارکی و بسعادت بامضاء و بمبادله قرارنامه مزبور اقدام و مبادله شود . امروز دو روز است که عالیجاه مشارالیه وارد پاریس شده است و از جانبین مشغول فراهم آوردن اسباب و ملزومات مبادله قرارنامه بوده و هستیم و انشاءالله در همین دوسه روز موافق دستورالعملی که بموجب تعلیقجات مزبوره داده شده است بدون ترك يك لفظ جمیع نوشتجات لازمه را که برای استحکام قرارنامه راه‌آهن و بجهت

اعتبار و استقرار سایر اسنادی که بدست اولیای دولت علیه داده است از مشارالیه گرفته و با پست بحضور مبارك خواهیم رسانید.

\*\*\*

تلگرافنامه مورخه ۹ ماه دسامبر، درباب ایتیاع ماشین ساختن فشننگک برای تفنگک ایتیاعی جدید از دولت اتریش هونگری، در یازدهم همان ماه شرف وصول بخشید و بمجرد وصول بکارخانه فشننگک سازی دولت فرانسه به پوتو که در دامنه قلعه مونوالرین واقع است رفته و کماندان روژ رادیده وحسب الامر اطلاعات لازمه را از مشارالیه خواستم. از قراریکه اظهار داشت معلوم میشود که دو روز بعد از تشریف فرمائی اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه بکارخانه مزبور حسب الامرالاعلی، یک راپورت بالابلندی نوشته و بجناب حکیم الممالک تسلیم نموده است. اگرچه قیمت ماشین تقریباً همان است که با تلگراف اشاره شده است، ولی مبالغ خطیری اسباب لازم دارد و چون اسباب بدون ملزومات راه نمی افتد، لهذا از مشارالیه خواهش کردم که صورت راپورت مزبور را برای فدوی بفرستد و کماندان با کمال انسانیت سواد راپورت مزبور را با یک صورت دیگر که درباب قیمت ماشین فشننگک تفنگک اتریشی نوشته است، بامراسله مفصلی برای توضیح جمیع مسئلهها بخود فدوی نگاشته و شخصاً خودش آورده و بفدوی تسلیم کرد. همه آن تفصیلات را بطور واضح و زبان دار نوشته است که مستغنی است از بیانات فدوی. استدعا دارم که این صورتها را بیک صاحب منصب زبان دان که سررشته این قبیل مسئلهها را داشته باشد تسلیم فرموده تا ترجمه شود و بنظر انور برسد و بعد از اطلاع و استحضار از متدرجات آن بهر قسمی که رأی جهان آرا علاقه بگیرد امر و مقرر فرمایند تا از آن قرار عمل و رفتار شود.

در باب قیمت اسباب مزبور مستدعی‌ام که ایصال آنرا بقسمی قرار بدهند که زود برسد که بهیچوجه اسباب معطلی رو ندهد. البته در نظر دارند در وقت فرمایش دادن این قبیل اسباب باید يك ثلث قیمت اسباب را بکارخانه‌چی از پیش داد و الا هرگاه تنخواه مقررہ باو نرسد، هرگز شروع بساختن مائین نخواهد کرد.

عریضجات مورخه ۲۸ شهر ذی‌حجه الحرام ۱۲۹۵ نمرة ۱۳۲ مشتمل بر دو طفره

خداوندگارا بتاریخ ۱۹ ماه دسامبر سنه ۱۸۷۸ مطابق ۲۴ شهر ذی‌حجه الحرام، مسیو الیون در این سفارتخانه حاضر شده و بعد از تطبیق و مقابله قرارنامه راه‌آهن از انزلی تا طهران را بمبارکی از جانبین امضاء و مبادله نمود. نسخه‌ای را که از دارالخلافه انفاذ فرموده بودند، با فرمان مهر لمعان و ترجمه آن و همچنین با ترجمه اختیارنامه که بافتخار فدوی شرف صدور یافته بود بمشارالیه تسلیم، و نسخه دیگر را که خود مسیو الیون امضاء و بمهر خود ممهور داشته بود، ضبط کرده و اینک در لف پاکت عرایض امروز انفاذ میدارم و موافق دستور العملی که حضرت اشرف ارفع بندگاتعالی در ضمن تعلیقات مورخه ۱۷ شهر ذی‌قعدة الحرام داده بودند در معتبر نمودن قرارنامه در مقابل فرمان همایونی، نوشته مضبوط و معتبری از مشارالیه گرفته و آنرا نیز حسب الامر لفا میفرستم. يك نوشته دیگر هر برای اعتبار بیشتر از مشارالیه گرفته و در جزو عرایض امروز انفاذ حضور مراجع مینمایم. علاوه براینها در روز مبادله چنانکه رسم و قرار است داده‌ام مسیو پالیکو دو نسخه پروسه و ربال یعنی مقدمات نوشته و بعد از امضای هر دو نسخه، يك نسخه آنرا اینک برای حضرت اشرف

بندگان عالی میفرستم و نسخه دیگر را بمسیو الیون تسلیم نمودم. از قراریکه مذکور شد مسیو الیون مشغول تشکیل دادن کمپانیه میباشد، اما بدبختانه چند روز است مزاجاً قدری کسالت دارد. گویا هوای پاریس با او سازش ندارد. پارسال هم بیاریس آمده و ناخوش شده بود. خداکند آسیبی بوجود او نرسد تا اینکه این عمل خیر را بسعادت و میمنت صورت انجام دهد. نوشتجاتی را که از او گرفته‌ام همه معتبر است. درهیچکدام قصوری نیست. همینقدر خداوند او را محافظت کند و زود سایر کارها همه بدرستی و بصدقت و بسهولت خواهد گذشت بعمون الله تعالی.

\*\*\*

در همین روزها مسیو فرانکوئی رئیس سیرک پاریس، کاغذی بقدوی نوشته و از بابت لژی که حسب الامرالاعلی در ۱۹ ماه ژون برای وجود مبارک اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه و برای سایر ملتزمین رکاب تدارک دیده بود پانصد فرانک مطالبه میکند. مسیو دویلرنامی یک جلد آلبوم که مسمی به پارک و ژاردن بوده است، در پانزدهم ماه ژون بخاکیای مبارک همایونی تقدیم نموده و قبول شده و با بارهای شاهی انفاذ ایران شده است. از قراریکه مذکور میشود اکثر از سلاطین اروپا آلبوم او را قبول کرده و درمقابل آن نشان باو مرحمت شده است. حالا اعتقادم اینست که هرگاه رأی جهان آراء باعطای نشان برای او و رئیس سیرک علاقه بگیرد از شر هردو خلاص میشویم و الا باید پانصد فرانک به سیرک داده شود و آلبوم نیز مسترد گردد. کاغذهای حضرات را که در باب آن دو فقره بقدوی نوشته‌اند، هردو را برای مزید اطلاع اینک در جوف همین پاکت امروز انفاذ میدارم.

عریضجات مورخه ۱۲ شهر محرم الحرام ۱۲۹۶ نمره ۱۳۳ مشتمل برشش طغرا خداوندگارا بموجب مضمون تلگرافنامه موخه ۱۶ ماه دسامبر، امر و مقرر شده بود که عمارت دولتی که در تروکادرو ساخته شده بود از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت همایون شاهنشاهی روحنا فداه بشهر پاریس اعطا شود. بمحض وصول تلگرام مزبور، عالیجاه مسیو منیه جنرال قونسول دولت علیه را که معاون کمیسر جنرال اگسپوزیسیون هم بوده باین سفارت خانه احضار نموده و از قرار مضمون تلگرافنامه مزبور بمشارالیه دستورالعمل دادم رفته بوالی شهر از این اراده جهان مطاع اطلاع بدهد. عالیجاه مشارالیه نیز در همان روز بخدمت والی شهر رسیده تبلیغ مأموریت کرده بود. والی شهر در کمال انسانیت و ادب اظهار امتنان و تشکر نموده، گفته بود که اداره شهر پاریس بامنت این هدیه اعلی و با عظمت را قبول می‌کرد ولی از آنجا که در همین روزها مقرر شده است که عمارت‌هایی که از جانب دول خارجه در تروکادرو ساخته شده است برداشته شود، بنا بر این احوال مقدور نشد این قبیل تکالیف که از جانب سایر دول نیز شده بود قبول شود. بهمین دلیل نهایت تاسف برای ما حاصل است که برای شهر پاریس مقدور نیست که عمارت مزبور را قبول نماید. در این صورت تمنا دارم که هم مراتب تشکرات اداره شهر پاریس را از این التفات بزرگ و هم مراتب تأسفات او را از اینکه نمیتواند چنین هدیه باشکوه و قشنگ را قبول کند، بخدمت اولیای دولت علیه ایران اظهار نماید. از قراریکه اطلاعات لازمه از خارج و داخل حاصل کردم معلوم شد که در مقارن وصول تلگرافنامه مزبور این قرارداد شهر پاریس مقرر و بنا شده بود که باید زمین

تروکادرو صاف و همه عمارت‌ها از آنجا برداشته شود. دولت چین و ژاپون و غیره عمارت‌های خود را بشهر پاریس تقدیم کرده بودند، بآنها نیز بهمین قسم جواب داده شده بود. حالا بجز اینکه بدهیم عمارت را از آنجا بردارند، چاره دیگر نداریم. بمسیو منیه سپردم که عمارت را بدهد خراب بکنند. گویا ازمصالحی که از آنجا بدست خواهد آمد تقریباً دو هزار فرانک عاید بشود. هرچه شد باطلاع اولیای ابد مدت علیه خواهد رسید.

\*\*\*

پریروز از جانب حضرت اشرف ارفع بندگانعالی باین مضمون تلگرام رسید: (کارفایبوس چه طور شد؟ اسباب او چه شد؟ چرا این کار را به مسامحه میگذرانید؟) در همان روز باتلگراف جواب عرض کردم که موعود برات در پنجم همین ماه ژانویه است و چنانکه در جزو عرایض معروض شده است بمحض وصول وجه برات مزبور، فایبوس راه خواهد افتاد. اگرچه جواب را با تلگراف عرض کرده‌ام، اما این فقره را نمی‌توانم پنهان بدارم که از مضمون تلگرام مزبور چقدر کسالت و سرشکستگی برای فدوی حاصل شد. این تلگرافها از چند دولت میگذرد و در همه جا خوانده میشود. بعد از ملاحظه چنین مضامین در حق فدوی چه خیالها خواهند کرد. البته خواهند گفت فلانی آدم خائن و بی‌قابلیت و اهمال کار است. باشد اینها عیب ندارد و فراموش میشود اما همین قدر عرض میکنم که از ابتدای این کار در همه عریضجات خودم صریحاً عرض کرده‌ام که وجه برات ذیکلر وصول نمی‌شود. حتی باتلگراف استدعا کرده بودم که بگماشته ذیکلر که در طهران است تأکید فرمایند که بکمپانی تلگراف بکنید تا اینکه وجه برات مزبور را بدهد، هیچ جواب نرسید. با وصف این احوال باز فدوی باید مقصر بشود. در عریضجات سابق مکرر



عرض کرده بودم که وجه برات وصول نمی‌شود و صاحب کارخانجات بدون وجه نقد اسباب نمی‌سازند و تحویل نمی‌دهند. هرگاه قرار این ولایت بآن طور است فدوی چه خاک برسرکند و چرا باید مقصر بقلم برود و هرگاه وجوهات لازمه نقد رسیده بود و کار صورت انجام نمی‌گرفت البته لازم می‌آمد گرفتار عقوبت بشوم اما ازاینکه بی‌تقصیر هدف تیرملاحت واقع شده‌ام خود را نمی‌توانم از این بی‌التفاتی تسلی بدهم.

\*\*\*

روز چهارشنبه گذشته سال نو عیسویان بود. چنانکه رسم است جمیع مأمورین خارجه دعوت شده بودند که بلباس رسمی بعمارت الیزه رفته، مراتب تمهیت را بجناب مارشال مکماهون بعمل بیاورند. فدوی نیز باتفاق مقرب الخاقان میرزا کریم‌خان سرتیپ و میرزا احمدخان نایب اول این سفارت در آن مجلس حاضر بودم. مارشال مکماهون زایدالوصف نسبت بفدوی و بصاحب منصبان این سفارت اظهارمهربانی نمودند و از صحت مزاج مبارک اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی و احوالات حضرت اشرف بندگانعالی جویا و خواهشمند شدند که مراتب مودت و تمهیت را بخاکپای جواهرآسای مبارک و بحضور آن خداوندگاری تقدیم نمایم. در همان مجلس میرزا کریمخان را خدمت ایشان معرفی نمودم و جناب معظم‌الیه نسبت بمشارالیه اظهار تملطف نمودند.

\*\*\*

البته حضرت اشرف ارفع بندگانعالی در خاطر دارند که در وقت توقف موکب فیروزی کوکب همایونی در پاریس، بندگان اعلیحضرت اقدس همایون روحنا فداه در دو یا سه مجلس بخودجناب مارشال

مکماهون وعده اسب دادند و فرمودند که انشاءالله بعد از ورود به ایران اسب خوب برای شما میفرستم. در آن شبی که در عمارت علیاحضرت ملکه اسپانیه بشام موعود بودند بجنرال ایزاک مکرر فرمودند که اسب برای مارشال وعده فرموده ایم و انشاءالله اسب خوب برای ایشان میفرستم. در روز سال نو در وقت بیرون آمدن از عمارت الیزه یکی از صاحبمنصبها اسب کالسکه فدوی را دیده پرسید این اسبها را از ایران آورده اید؟ گفتم، خیر، اسب ایران برای سواری خوب است، شنیدم اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی اسب سواری ایران را خیلی تعریف میکردند. گفتم بلی، اسب سواری ایران در هیچ جای عالم پیدا نمی شود. از حرف آن صاحب منصب چنین استنباط کردم که گویا مقصود از این صحبت یادآوری وعده های همایونی بود. اعتقادم اینست که چون ذکر این حرف شده است، بهتر است بر عهد وفا شود.

\*\*\*

مقرب الخاقان میرزا کریمخان سرتیپ حسب الامر بسمت آتشه گری این سفارت منصوب و از روزیکه در اینجا است با کمال معقولیت و درستکاری راه میرود. از قراریکه اظهار داشت، معلوم میشود که از مقرری و سنواتی تا بحال دیناری عاید و وابستگان ایشان نشده است. استدعای ایشان و فدوی این است که چنانکه مکرر وعده شده است امر و مقرر فرمایند مواجبهای ایشان که در محل مازندران و خارمانده است با جیره هذه السنه وصول و ایصال شود. بخصوصیه مستدعی است که آن یکم هزار و پانصد تومان را که عالیجاه اسماعیل خان اردل پاشی وصول کرده است، قدغن فرمایند زودتر برسانند تا اینکه از این کسالت و پریشانی بیرون بیاید. از قراریکه اطلاع دارم مبالغ

خطیری قرض بهم رسانیده، هرگاه آن وجوهات نرسد نمی‌تواند از عهده مخارج و قرض اینجا برآید، ضمناً هم عرض میکنند که در این مسافرت همایونی وعده فرموده بودند که از دول فرنگستان نشان برای ایشان تحصیل خواهند فرمود حالاً که نرسید هرگاه از جانب دولت علیه عوض مرحمت شود مقدور است بتوسط سفارت پاریس بآذن و اجازه حضرت اشرف ارفع بندگانعالی نشان برای ایشان تحصیل شود. حالا بعد از این عرض حال منتظر آذن و اجازه می‌باشم که از آن قرار رفتار نمایم .

\*\*\*

از يك ماه متجاوز است که عالیجاه مجدت همراه مسیورنه ، مترجم اول سفارت فرانسه مقیم طهران ، وارد پاریس شده‌است و در همه جا ثنا خوان حضرت اشرف ارفع بندگانعالی بوده و هست . در این روزها در روزنامه اختر خوانده بود که از جانب دولت علیه لقب خانی باو مرحمت شده است . بعد از ملاحظه فصل روزنامه مزبور ، گفت اینهم از توجه حضرت اشرف است و از این التفات مبذوله زایدالوصف ممنون و متشکر است و حالا منتظر وصول فرمان مهر لمعان و امیدوار است که برای مزید افتخاربین‌الاقران و امثال و برای اتمام نعمت قدغن فرمایند فرمان لقب خانی که باو مرحمت شده است در همین جا باو برسد که منتهای مرحمت خواهد شد . چون از دوست های عزیز است فدوی نیز نهایت شکرگزاری را از التفاتهای که در حق او شده و میشود داشته و دارد . مسیو دروششوار بسمت وزیر مختاری مأمور هایلتی شد و رفت و از قراری که مذکور میشود جناب مسیو منیه دوباره بایران معاودت خواهد نمود .

۱۲ شهر محرم الحرام ۱۲۹۶

عریضجات مورخه ۱۸ شهر صفر المظفر ۱۲۹۶ زهره ۱۳۴ مشتمل بر پنج ظهرا

خداوندگارا چند روز بود که درد چشم عارض شده بطوری که از تحریر عاجزم کرده بود ، بهمین جهت در این مدت ده دوازده روز از شرف عریضه نگاری محروم مانده بودم . لله الحمد از پریروز علتی که در چشم پیدا شده بود بالکلیه رفع شده و از این بابت آسوده شده ام .

\*\*\*

در هشتم ماه ژانویه در عمارت علیا حضرت ملکه اسپانیامهمانی بود . جناب مارشال مکماهون و مادام لامارشال و جمعی از مأمورین خارجه و داخله و فدوی نیز بشام موعود بودیم . علیاحضرت ملکه خیلی اظهار مرحمت میفرمودند . مکرر از سلامت وجود مبارک بندگان اعلیاحضرت اقدس شهریاری روحنا فداه و از صحت مزاج حضرت اشرف بندگان عالی جویا شدند و در ضمن صحبت فرمودند که در اول ژانویه از جانب سنی الجوانب بندگان اقدس شاهنشاهی در باب تهنیت سال نو تلگرافنامه خیلی خوش مضمون رسیده و اگر چه جواب را با تلگراف فرستاده ام ولی از شما خواهش میکنم مراتب دوستی و مودت مرا بخاکپای مبارک دوباره تجدید نمائید و بنویسید که من خدمت ایشان علی غیرالنهاییه ارادت دارم و از وضع حالت و سلطنت مبارک ایشان خوشم می آید و در حقیقت سلطنت بایشان می برازد و باید سلطنت را بآنطور کرد که اعلیاحضرت ایشان میکنند . بعد فرمودند که من خود را بمخابره تلگرافی نمی توانم راضی بکنم انشاءالله در چند ماه دیگر خودم بایران میروم . چندروز بعد از آن برای تشکر شام رفته بحضور علیاحضرت ملکه شرفیاب شدم بمحض اینکه فدوی را دیدند پرسیدند که آنچه

بشما سفارش کرده بودم نوشتید . عرض کردم هنوز خیر ، زیرا که اطمینان کلی نداشتم که علیاحضرت شما عزم خود را بسفر ایران جزم کرده باشند . فرمودند حرف من یکی است ، یقین بدانید که میروم . از قراریکه از ملتزمین رکاب شنیدم معلوم شد که علیاحضرت ملکه هرچه درباب این سفر اظهار فرموده‌اند همه درست است و بطور صریح در تابستان آینده تشریف فرمای دارالخلافه خواهند بود . گویا يك قبضه شمشیر هم برای وجود مبارك بندگان اقدس شاهنشاهی داده تمام کردند ، تیغه آنرا مخصوصاً از شهر تولد آورده‌اند و قبضه و غلاف آنرا در پاریس می‌سازند ، تیغه‌های تولد در برش و در خوبی بهمه تیغهای فرنگستان رجحان دارد . بطوری خم میشود که دوسر شمشیر بهم میرسد و نمی‌شکند . گویا در سر قبضه در يك طرف علامت تاج سلطنت اسپانیا را و در طرف دیگر علامت نشان دولت علیه را کشیده‌اند . خلاصه از قراریکه مذکور شده معلوم میشود که شمشیری قطعه خواهد بود . علیاحضرت ملکه فرمودند درباب فرستادن شمشیر معطم ، نمی‌دانم از چه راه و بچه وسیله می‌توان فرستاد ، هرگاه شما این زحمت را قبول نمائید بتوسط شما می‌فرستم . عرض کردم حاضر خدمتم . هر وقت شمشیر تمام شد بفدوی مرحمت فرمائید بی‌عیب میرسانم ، اما هنوز نرسیده است و در وقت رسید با قرب وسائل بدارالخلاقه انفاذ خواهد شد . ذکر يك فقره دیگر هم شد و آن درباب آن نشانهائی است که در هنگام توقف موكب همایونی در پاریس به رئیس دربار و بیکی از شامبلانهای علیاحضرت ملکه اعطا شده بود . از قراریکه معلوم میشود شأن این دو نفر خیلی بالا است و هر دو از دولت خودشان صاحب نشان شارل سیم از درجه اول باحمایل می‌باشند . با وصف این احوال آن دو نشان شیروخورشید که از درجه دویم

و سیم بآنها مرحمت شده است خیلی کم است و برای تلافی آن و رضای خاطر علیاحضرت ملکه لازم است که برای هر يك از آنها از درجه اول نشان شیروخورشید عنایت شود .

\*\*\*

بعد از وصول تعلیقه رفیعۀ مورخه ۲۴ شهر ذی حجه ، چنانکه در عریضه‌ای که دو هفته قبل براین معروض شده بود ، جناب مسیو دادنکتون وزیر امور خارجه را ملاقات نموده و درباب طرز سلوك و رفتار شارژدافر فرانسه مفصلا گفتگو نموده آنچه در حق او مرقوم شده بود و از خارج شنیده بودم برای جناب معزی‌الیه مفصلا و محرمانه بیان کردم و درباب معاودت جناب مسیومنیه اصرار کردم و گفتم هیچ چیز تلافی رفتار شارژدافر را نخواهد کرد مگر حضور مسیو و هر قدر جناب ایشان را زود مراجعت دهند همانقدر ترضیه برای ما حاصل خواهد شد . جناب وزیر امور خارجه از بیانات فدوی تعجب میکرد . در جواب همینقدر گفتم برای این کار تحقیق لازم است . گفتم نوشتجات از طرفین پس گرفته شده است . حالا هرگاه بمسیودو مارویل بنویسید و از او تحقیق بنخواهید ، البته به تقصیر خود اقرار نخواهد کرد . گفتم ما راه این چیزها را خوب میدانیم و بعد از تحقیق آنچه لازم است بعمل خواهد آمد . درباب جناب مسیومنیه گفتم گویا خیال مراجعت را نداشته باشد ، پیر شده است ، میخواید استعفا بکند . گفتم خیر اینطور نیست ، مسیومنیه خیلی مایل است برفتن ایران . گفتم چند وقت است او را ندیده‌ام ، بزودی او را خواهم دید و قرار مراجعت او را خواهم داد . مسیومنیه را دیدم ، تفصیل احوال را گفتم ، از قراریکه معلوم شد او خودش بی‌میل نیست دوباره بایران بیاید و انشاءالله

بزودی او را راه خواهم انداخت . از مسیو دومارویل يك پوستی كنده‌ام كه در هنر هیچ دباغی نبود . بعد از این آدم خواهد شد . در باب پس‌گرفتن نوشتجات در وزارت امور خارجه ایراد میگرفتند و میگفتند بعد از آنكه مأمور يك دولت بآنطورها كاغذ نوشته است كه او را مقصر میکند چرا آن چنین نوشتجات را پس میدادند . گفتم از بابت این است كه لکه براسم مأمور دولت فرانسه در ثبت دفاتر ایران نماند . میگفتند پس چرا حالا شكایت میکنند . گفتم برای رفع شر شارژدافر . خلاصه مقصود آنها این است كه در چنین مقام‌ها كه حق بجانب ماست ، نباید برای ملاحظه شان يك مأمور آنها ، آنهم مأمور مفتن ، حق بزرگ يك دولت را باطل و بلکه پامال كرد ، بیش از این ذكری نشد .

\*\*\*

بتاریخ ۳۰ ماه ژانویه با تلگراف عرض کرده بودم كه جناب مارشال مكماهون از ریاست جمهوری استعفا کرده و مسیو ژول‌كروی كه رئیس مجلس وكلائی ملت بود در همان روز بجای مارشال منصوب شد . مسیو كاملبا نیز بریاست مجلس وكلا سرافراز گردیده حالا دیگر سركار و رشته عمل جمیع ادارات با جمهوریان است . دلیل استعفای جناب مارشال مكماهون این بود كه جمهوریان میخواستند تغییرات عمده داده شود ، باین معنی كه هرچه از قدیم نوكر باب در سركار بود معزول و بجای آنها نوكر باب جدید كه از هواخواهان جمهوری بوده باشند ، بجای آنها تعیین شود و حتی این تكلیف هم از جانب آنها شده بود كه در اداره لشگر نیز تغییر و تبدیل داده شود . مارشال مكماهون حتی المقدور در تبدیل و تغییر نوكر در فقرات جمیع ادارات اهل قلم بآنها یعنی با جمهوریان متابعت میکرد . اما وقتیکه در باب تغییرات اداره لشگر حرف پیش آمد ، تكلیف جمهوریان

را رد کرده از ریاست استعفا نمود و استعفای او قبول شده ، مسیوکروی را بجای او نصب کردند . حالا این نوع حرکت مارشال را همه کس تحسین میکنند تا به بینیم از دستگاه مسیوکروی چه بیرون خواهد آمد . از قراریکه مذکور میشودگویا این رئیس جدید هم نتواند دوام بکند و عاقبت کار دوباره بسطنت خواهد رسید . علی الحساب در همه جای فرانسه آرامند و بوی شورش و فتنه از هیچجا بروز نکرده است تا بعد از این خداوند عالم چه مقدر کرده باشد .

\*\*\*

موافق همین نوشته عالیجاه مسیوهرمان که لفا ارسال میشود از برات سه هزار و هفتصد و هفتاد و سه لیره و یازده شلینگ و هشت پنس که بحواله ذیکلر فرستاده شده بود مبلغ نود و پنج هزار و یکصد و سیزده فرانک و پنجاه و پنج سانتیم عاید این فدوی شد . از این تنخواه ، موافق دو صورت حسابی که یکی از جانب مسیوفابیوس داده شده ، و دیگری خود این فدوی نوشته و هر دو رالفاً میفرستم مبلغ هشتاد و یک هزار و دویست و چهل و هشت فرانک و شصت سانتیم از بابت خرید اسباب و ملزومات کارخانه کاز و کرایه آنها و مواجب و مخارج راه خود مسیوفابیوس و معاون او کارسازی نموده ام و مبلغ سیزده هزار و هشتصد و شصت و چهار فرانک و نود و پنج سانتیم از بابت تتمه قیمت بلور آلات و ظروف چینی و کارد و چنگال و غیره ، خود این فدوی برداشته و بمصرف رسانیده است . از روزی که (یعنی در ششم ماه ژانویه) وجه برات مزبور وصول شد ، مسیوفابیوس بدون فوت یک دقیقه مشغول تحویل گرفتن و باربندی اسباب و ملزومات کارخانه کاز شده و بتاريخ ۲۶ ماه ژانویه عازم مارسیل گشته که در آنجا صندوقها را خودش گرفته ، بعضی را همراه خود برده و برخی را از راه بوشهر حمل نماید . قرار شده است که کرایه بارهائی را که همراه



خود خواهد برد تا بادکوبه ازدوازه هزار و هشتصد و هفتاد و هفت فرانک و نود سانتیم که از همان بابت باو کارسازی نموده‌ام خودش بدهد، اما از آنجائیکه این تنخواه کفایت نخواهد کرد که کرایه بارها از بادکوبه بانزلی و از آنجا الی طهران داده شود لازم است که احکام اکیده بمعهد حاکم گیلان صادر شود تا اینکه در ادای تتمه کرایه از بادکوبه الی دارالخلافه طهران خودداری ننموده بارها را بزودی بمقصد برساند. در باب کرایه بارهائی که از راه بوشهر حمل میشود چونکه تنخواه موجود کفایت نمی‌کرد و از آنجائیکه حاجی رحیم وجه قیمت ماشین الکتریسیته را که معادل پنجمزار و دو بیست و پنج فرانک بوده چهار ماه قبل بر این بصیغه مساعده از خود کارسازی نموده و وجه مزبوره را بحساب جناب امین‌الملک آورده است، لهذا مبلغ مزبور وقف این کار شد که کرایه بارهای مزبور در مارسیل کارسازی و بارها حمل بوشهر شود، حساب این کرایه و حساب‌های دیگر بامسیوفابیوس است، انشاءالله در وقت ورود بدار الخلافه همه را بنظر حضرت اشرف ارفع بندگان عالی خواهد رسانید. معلوم است طلب جناب امین‌الملک که پنجمزار و دو بیست و پنج فرانک است باید منظور و بخود ایشان کارسازی شود. در باب این بارها نیز لازم است بحاکم بوشهر اطلاع داده شود که بمحض ورود آنها را تحویل گرفته، حمل دارالخلافه نماید. عدد صندوقهائی که باید از راه بادکوبه و همچنین عدد صندوقهائی که باید از راه بوشهر حمل شود، هنوز از جانب مسیوفابیوس مشخص نشده است، هر وقت رسید میفرستم. مسیوفابیوس می‌بایستی با بارها در یوم شنبه ۱۶ این ماه یعنی پریروز عازم اسلامبول شده باشد، اما تا بحال در این باب کاغذ از او نرسیده، و معلوم نیست کارهای خود را تمام کرده و عازم شده است یا خیر، همین‌که خبر رسید عزیمت او را و عدد و حمل بارها را

باتنکراف بعرض خواهم رسانید.

\*\*\*

امتعۀ دولتی اگسپوزیسیون که مقرر شده بود در حراج خانۀ پاریس بفروش برسد ، چنانکه در عریضۀ سابق معروض داشته بودم بقیمت خیلی خوب فروخته شده و در وقت فروش همه ماها دست بدست داده ، قیمت اسبابها را بطوری بالا می بردیم که اکثر از آنها بر حسب قیمت دو مقابل فروخته شد. اگرچه ماها قدری متضرر شدیم ولی در فروش آنها صرفۀ دولت را بر همه چیز مقدم داشتیم و هرگاه این ملاحظه و تدبیر را بکار نبرده بودیم ، چنانکه بنظر بندگانعالی رسیده بود ، این اسبابها که چندان مرغوب نبوده و اکثر از آنها را بیدزده ، خراب بوده بهیچوجه من الوجوه بفروش نمی رسید. الحاصل ما خدمت خود را بکار بردیم ولله الحمد نتیجه خوب بدست آمد ، باین معنی که همه اسبابها به بیست و هشت هزار و نهصد و پنجاه و چهار فرانک فروخته شده مصالح پاولیون هم بسه هزار و پنجاه فرانک بفروش رفت . آن اسبابی که در شأن دمارس بود به پانصد و هفتاد و سه فرانک رسیده است. موافق اسناد و صورت حسابی که خود حراج باشی و مسیومنیه داده و لفاً انفاذ میشود ، مبلغ بیست و سه هزار و دو بیست و نود و چهار فرانک و چهار سانتیم موافق سند مقرب الخاقان میرزا جوادخان از بابت طلب مسیومنیه کارسازی و مبلغ سه هزار و هشتصد و سی و نه فرانگ و شصت سانتیم خرج و صرف حراج خانه و چاپ انتشار نامه ها و وکرایه اطاق حراجخانه و اجرت يك نفر عامل و غیره شده است که جمعاً معادل بیست و هفت هزار و یکصد و سی فرانگ و چهار سانتیم بوده باشد. این مبلغ خرج ، که از مبلغ فروش موضوع میشود ، پنجم هزار و چهارصد و چهل و دو فرانگ است ، استدعا دارم یا از بابت حساب گراندهتل و یا اینکه از

بابت مخارج سفر روم و ولادی قفقاز و وین محسوب فرمایند تا اینکه پیش از این بواسطه نرسیدن طلب فدوی از دیوان اعلیٰ دچار ضرر و خسارت نشوم. بوحدت خداوند قسم است که هرگاه این تدبیرها را بکار نبرده و در فروش خود را دچار خسارت نکرده بودم، اسباب دولتی باین قیمت فروخته نمی‌شد. حالا که صرفه‌دیوان را بر ضرر خودم مقدم داشته‌ام، انصاف نیست که این تنخواه جزئی از بابت مطالبات خودم محسوب نشود. در هر صورت این پنجمزارو و چهار صد و چهل و دو فرانک را از بابت قروضم پرداختم، حالا دیگر بعد از ملاحظه حالت فدوی باز هم اختیار با اولیای دولت ابد مدت علیه است.

عریضجات مورخه ۶ شهر جمادی الاول ۱۲۹۶ نمره ۱۳۵ مشتمل بر دو طغرا

خداوندگارا سه روز قبل براین، مسیو الیون کاغذی بفدوی نوشته و در ضمن آن خواهش می‌کند که امتداد موعد قرارنامه را که برای تشکیل کمپانیه لازم است از اولیای دولت علیه استدعا نمایم. چنانکه از مضمون کاغذ مزبور استنباط خواهند فرمود، پیش از وصول قرارنامه، یک جماعت خوب بواسطه دیر رسیدن قرارنامه از دست او رفت. حالا رشته عمل راه آهن بیک جماعت دیگر بسته شده است و از مدت چهار ماه شب و روز مشغول گفتگو و فراهم آوردن اسباب کار بوده و می‌باشند و چون انجام چنین امر مهمی در وهله اول خالی از اشکال نیست و از آنجائیکه تدبیرات خارق العاده باید بکار برده بشود تا اسباب پیشرفت این کار فراهم بیاید و چونکه برای حل کردن اشکالات وقت لازم است، نظر بچنین احوال محتمل است که آن ششماهی که برای تشکیل کمپانیه در قرارنامه قید شده است

برای انجام این کار کافی نباشد. در اینصورت امتداد موعد مزبور لازم می آید و چون میدانم رأی جهان آرای بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه بساختن راه آهن در ممالک محروسه تعلق دارد، لهذا استدعا مینمایم که برای تسهیل این عمل و پیشرفت تدبیرات لازمه موعد مزبور را شش ماه دیگر امتداد بدهند. یقین دارم که بمحض وصول خبر امتداد مدت مزبور تدبیرات مسیوالیون و شرکای او بیشتر از پیشتر رونق خواهد گرفت و این کاری که در نظر مردم محل اعتماد نیست جلوه گر خواهد بود، زیرا که بر همه معلوم خواهد شد که دولت ایران طالب ترقی و به پیشرفت عمل راه آهن مایل و راغب است و میدانند که در این جور کارهای بزرگ مهلت جایز است. در همه جا دیده شده است که دولتها در این جور مسائل مراعات میکنند و مهلت میدهند. حالا جای آن است که ششماه دیگر برای تشکیل کمیانیه به مسیوالیون مهلت اعطا شود که بتواند از عهده انجام چنین کار بزرگ برآید. برای تشویق و ترغیب او و شرکای او لازم است که جواب از لیای دولت علیه زود بآنها برسد، در این صورت مستدعی ام که بعد از ملاحظه این عریضه، تصدیق آنرا با تلگراف اعلام فرمایند تا اینکه در پیشرفت عمل راه آهن تأخیر واقع نشود.

\* \* \*

عالیجاه مقرب الحضرة میرزا محمد دکتر کرمانشهمانی با وجود اینکه در ایران از جمله فضلاى نامى و معالجین ماهر و معتبر بود، همینقدر که بقوت دانش چشمش روشنتر شد بآن معلومات ناقص قناعت ننموده محض تکمیل علوم و اعمال متعلقه بطبابت قریب بسه سال است که از عیال و اولاد و زندگانی خود دست کشیده و بشهر پاریس آمده است و از روزیکه وارد اینجا گردیده آنی از تحصیل

غفلت نورزیده و بجهت و غیرت مشغول تکمیل تحصیلات خود بوده است، بطوریکه از فضل الهی و مرحمت اولیای دولت علیه جمیع امتحانات دکتری را بوجه احسن داده و در حضور معلمین بزرگ، مایه روسفیدی و سربلندی ملت ایران گردیده و درجه تحصیل را بجائی رسانیده است که نه تنها سمت تعلیم و تفوق بر همه اطباء ایران پیدا نموده است، بلکه برابری با اطباء ماهر فرنگستان میکند و در حقیقت وجود چنین شخص عالم کاملی محترم و واجب‌الرعایه است و یقین است که از وجود او کارهای عمده ساخته میشود و بعد از مراجعت بایران بکار دولت و ملت خواهد خورد و مصدر خدمات بزرگ خواهد شد. اما برای رسیدن فواید و نتایج تحصیل و زحمات مشارالیه بملت و دولت، اسباب متعلق بطبابت و جراحی لازم است. بدبختانه شخصاً استطاعت ندارد و آنچه داشت همه را در این راه بمصرف رسانیده است، حالا بجز دولت علیه امید دیگر ندارد و چون میدانم این قبیل اشخاص قابل و کامل کمیاب هستند و از وجود آنها کارهای مفید برای دولت و ملت حاصل خواهد شد لهذا از تکالیف شخصی و فرایض مأموریتی خود میدانم که از اولیای دولت علیه استدعا نمایم که موافق مضمون مراسله که باین فدوی نوشته است و اینک لفاً انفاذ حضور مبارک میشود، تنخواه که قابل شأن دولت باشد برای او فرستاده بشود که باطلاع این سفارت اسبابهائی که لازم دارد اکتیاع شود و خودش هم از اینجا فارغ شده بعزم هرچه تمامتر بخاک بوس آستان مبارک بشتابد.

عریضه مورخه ۲۰ جمادی الاولی ۱۲۹۶ نمره ۱۳۶ مشتمل یک طفره

خداوندگارا در یوم پنجشنبه ۱۶ شهر حال که مطابق ۸ ماه مه فرنگی بوده باشد، علیا حضرت ملکه اسپانیا شمشیر تعارفی را که

برسم هدیه برای سرکار بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری روحنا فداه  
 باولین زرگرهای پاریس داده تمام کرده بودند، بتوسط رئیس دربار  
 ودونفر دیگر از اتباع کشیک خانه به این سفارتخانه فرستاده بودند.  
 فدوی نیز بمحض ورود حضرات، آنها را استقبال نموده و شمشیر  
 را که در جعبه بود بادو غلاف سفری و حضری، با کمال احترام قبول  
 و تعهد کردم که بی عیب بجا کپای جواهر آسای مبارک پرسیانم. این  
 شمشیر خیلی خوب زرگری شده و سردسته آن که تاج کیانی دارد و  
 همچنین علامت شیر و خورشید و علامت دولت اسپانیا و اسم اعلیحضرت  
 اقدس همایونی و اسم ملکه مکمل بجواهر است، باید بیکمزار و  
 پانصد تومان و بلکه برای ملکه بیشتر هم تمام شده باشد. خلاصه  
 شمشیر بسیار قطعه است و لایق وجود مبارک است و انشاءالله  
 بمبارکی و سعادت استعمال خواهد شد. چون وسیله فرستادن در  
 دست نبود، لهذا در همین روز دادم از چوب سفید هم جعبه ساختند  
 و روی آنرا مشمع نموده بتوسط سفارت روس نزد مقرب الخاقان  
 میرزا اسدالله خان شارژدافر دولت علیه مقیم پتربورغ فرستاده ام  
 و مراسله هم بایشان نوشتم و خواهش کردم که بمحض وصول، زحمت  
 کشیده از راه حاجی ترخان و رشت انفاذ دارالخلافة نماید. کلید  
 جعبه شمشیر را اینک در جوف همین پاکت انفاذ میدارم و استدعا  
 مینمایم وصول آنرا مرقوم فرمایند تا اینکه از رسیدن آن و شمشیر  
 اطمینان حاصل شود. آن دونفر که همراه رئیس دربار ملکه آمده  
 بودند، گویا هر دو توقع نشان داشتند. بیک زبان خوش بآنها فهماندم  
 که زحمت آنها بی اجر نخواهد ماند، البته هرگاه بیکی از درجه چهارم،  
 و بآن دیگری از درجه پنجم نشان مرحمت شود خیلی بجا است. اسامی  
 را جسارت نکردم بخواهم. بعد از رسیدن فرمان در همین جا اسم آنها  
 را می توان در فرمان نوشت. نشان رئیس دربار ملکه و آن شخص

دیگر که اسم او را سابقاً فرستاده‌ام باید مرحمت شود. البته در مقابل این شمشیر لازم است که از جانب سنی‌الجوانب بندگان اعلیحضرت اقدس همایونی يك هدیة برای ملکه فرستاده شود، محض یادآوری عرض شد، دیگر اختیار با اولیای دولت علیه است. پاکت علیاحضرت ملکه را نیز که بحضور مبارك بندگان اعلیحضرت اقدس همایونی باشمشیر فرستاده بودند، اینک لفاً انفاذ میشود که بنظر انور برسد.

#### عریضه مورخه ۴ جمادی‌الثانیه ۱۲۹۶ نمره ۱۳۷ مشتمل يك طغرا

خداوندگارا تعلیقات رأفت آیات که در تاریخ ۲۱ ماه آوریل در باب تعیین قیمت اسباب ساختن فشننگ فلزی برای تفنگ ورندل بزبان فرانسه شرف صدور یافته بود، در هفته گذشته عز وصول بخشید و بمجرد وصول حسب‌الاشاره بکوماندان روژ رئیس کارخانه فشننگ‌سازی پوتو و همچنین بمسیو ترپونه وکیل کارخانه کر نوود و باتنی کاغذ مفصلی نوشته و اطلاعات لازمه را از ایشان خواستم و حضرات موافق سئوالاتی که از آنها شده بود جواب کافی نوشته و در همین دوسه روز نزد فدوی آوردند. اصل کاغذهای آنها بانقشه و صورت قیمت اسباب فشننگ‌سازی اینک عیناً در لف همین پاکت انفاذ حضور میشود و چون اطلاعاتیکه در ضمن مراسلات خودشان داده‌اند، مستغنی از تفسیر است بنا علیه بهمین مختصراً کتفا شده اما در باب فقره استادی که باید این اسباب فشننگ‌سازی را در ایران بکاربرد. کوماندان روژ چنانکه در کاغذ خودش می‌نویسد، اصرار دارد که استاد مزبور دروین در کارخانه روت فشننگ‌ساز دوات نمسه و یا اینکه درلندن و یا اینکه در پاریس اجیر شود و باید استاد مزبور در وقتی از جانب دولت علیه اجیر بشود که بتواند خودش بکارخانه

کرنوود و باتلی رفته، اسبابها را بعد از امتحان تحویل بگیرد و اعتقاد او این است که هرگاه استاد سررشته دار نباشد همه زحمتها و بلکه پول دولت بهدر خواهد رفت. یک نصیحت دیگر مشارالیه هم این است که برای این اسبابهای فشنگسازی که بواسطه آنها باید از ده هزار الی بیست هزار فشننگ ساخته بشود، باید یک اسباب بخار هم خرید و الا هرگاه این اسبابها را بآدم بکار ببرند در روزی بیش از سه هزار فشننگ نمی توان تمام کرد. کوماندان روژ آدم بسیار قابل است و هرچه میگوید از روی عقل و بصیرت و خیرخواهی است و اعتقاد این است که برای تکمیل این عمل باید بحرف مشارالیه گوش داد. عرض دیگر هم این است که این شخص برای ما خیلی زحمت کشیده است و لازم بود در همان روزی که بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه بکارخانه فشنگسازی پوتو تشریف برده بودند نشان برای او مرحمت شود. چون در آنوقت این التفات در حق او مبذول نشده است و چون در اطلاعاتیکه داده است خیلی زحمتها کشیده است جای آن است که حالا نشان از درجه سیم درباره او عنایت شود.

شهر جمادی الثانی

عریضجات مورخه ۲۱ شهر جمادی الثانیه ۱۲۹۶ نمره ۱۳۸ مشتمل بر سه طغرا

خداوندگار اچهار طغرا تعلیقه که بتاريخ ۱۳ شهر جمادی الاول در جواب عریضجات مورخه ۸ و ۱۱ شهر ربیع الثانی فدوی شرف صدور یافته بود، عز و صول بخشید. در باب مطالب مندرجه آنها که دایر بتأخیر افتادن سفر علیاحضرت ملکه اسپانیا و گذشتن عمل طلب فرانسها بود، از قرار دستور العمل رفتار شد. اما در باب مطالب دیگر که از مدت پنج ماه معروض شده است تا بحال جواب نرسیده و نمیدانم



جواب مردم را چه بگویم. استدعا دارم قدغن فرمایند که عریضجات فدوی که در مدت این پنج و شش ماه معروض شده است مرور و جواب آنها مرقوم شود تا اینکه تکلیف فدوی در پیش از باب رجوع معلوم شود.

\*\*\*

يك بسته پاکت که تاریخ آن از دوازدهم ماه مه در باب حرکات ناملایم مسیومارویل بزبان فرانسه مرقوم شده بود، در هفته گذشته شرف وصول ارزانی داشت. بمحض زیارت فی الفور رفته، جناب مسیودادنکتون را ملاقات نموده و شرح احوال را چنانکه باید و شاید حالی نموده و حتی تعلیقه حضرت اشرف ارفع بندگانعالی را برای ایشان خواندم و در باب احضار مسیومارویل و تعیین وزیر مختار جدید خیلی ایستادگی کردم. جناب معزی الیه از حالت مارویل خیلی تعجب کرد و گفت افسوس میخورم از اینکه مسیومنیه را نتوانست روانه کنم و از حسن اتفاق بود که رفتن او موقوف شد والا چنانکه میدانید باین ناخوشی که باو عارض شده است در راه تلف میشد، اما در فکر انتخاب يك مأسور دیگر هستم و انشاءالله در همین روزها خبر آن را بشما میدهم. باوصف این احوال، باز هم در تعیین مأمور جدید تاکید زیاد کردم که زود روانه بشود. گفت بشما اطمینان میدهم که در همین روزها مأمور خوبی برای ایران تعیین خواهد شد و شما می‌توانید این وعده مرا بدولت خودتان اطلاع بدهید. از قراریکه معلوم میشود، در وزارت امور خارجه در احضار مارویل و تعیین مأمور جدید خیلی تعجیل دارند و فدوی نیز حتی المقدور تاکیدات لازمه را بعمل آورده و خواهد آورد. مسیومنیه خیلی ناخوش یعنی نزدیک بمردن بود. حالا قدری بهتر است. خدا صحتش بدهد، زیرا که آدم خیلی خوبی است. چندین دفعه بیاد او رفته‌ام. از التفاتهای اولیای دولت علیه کمال رضامندی را دارد. بحضور حضرت

اشرف ارفع بندگانعالی مخصوصاً عرض بندگی و ارادت میرساند. مسیوروششوار درهایلتی مرد ازتب زرد وآن نوکر ایرانی یعنی محمد ابراهیم که چند سال با او بوده اوهم ازآن ناخوشی درهمانجا وفات کرده است .

\*\*\*

بتاریخ ۲۹ مه باینمضمون تلگراف عرض شد: (جماعت غیر رسمی تشکیل شده مهندسین را روانه خواهد کرد که اولاً راه را ملاحظه نمایند و بعد از آن موافق قانون فرانسه کمپانیه شرعا برقرار خواهد نمود. الیون منتظر اجازه عالی است تا اینکه فوراً مهندسین را روانه نماید) مسیوالیون و فدوی هرگز راضی نبودیم که بآن مضمون تلگراف عرض ولی اجزای جماعت مزبور برای تحصیل اطمینان بفرستادن چنین تلگرام را مخابره کردند. اما بعد از ارسال آن مطلع شدند که عرض چنین مطلب هیچ لازم نبود، زیرا که موافق قرارنامه برای تشکیل کمپانیه ششماه و برای ملاحظه راه هفت ماه مهلت دارند و چون حالا مهندسین راه میفرستند لازم نبود اجازه بخواهند. خیال ظاهری همین بود که عرض شد. اما گویا باطناً میخواستند از حالت اولیای دولت علیه بطور یقین اطمینان حاصل کنند، تا اینکه معلوم شود که آیا اهالی ایران به پیشرفت عمل راه آهن مساعدت دارند و بساختن آن مایل هستند یا خیر و همچنین میخواستند بفهمند که آیا امتداد مدت ششماه که از دولت علیه استدعا شده است بکمپانیه اعطا خواهد شد یا نه. بدبختانه جواب نرسید و از آنجائی که اینها طالب این عمل هستند و چون یقین دارند که اولیای دولت علیه امتداد مدت مزبور را از آنها مضایقه نخواهد کرد، لهذا سه چهار روز بعد از فرستادن تلگرام مزبور بار سال تلگرام ثانی که تاریخ آن از اول ماه ژون و باینمضمون بود فدوی را تکلیف نمودند: (برای رفع اشتباهی که در مضمون تلگرام سابق واقع شده بود مأمورم حضرت اشرف ارفع را اطلاع بدهم که مهندسین عنقریب

روانه خواهند شد). امروز دوازده روز است که این تلگرام ثانی فرستاده شده است ولی نه جواب آن دو تلگرام رسید و نه خبر امتداد مدت ششماه‌هی که دو ماه قبل بر این در جزو عرایض این سفارت استدعا شده بود. باوصف این احوال، مسیوالیون بنا بوعدهائی که باوداده‌ام از نیت اولیای دولت علیه در پیشرفت عمل راه‌آهن مایوس نشده، بهمت تمام تدارک مهندسین را دیده و در همین چند روز روانه خواهد نمود. انشاءالله همین که مهندسین روانه شدند مؤده عزیزت آنها را باتلگراف بعرض خواهم رسانید و مستدعی‌ام بعد از وصول خبر عزیزت آنها مرحمت نموده بحاکم رشت و بهر جائیکه لازم است احکام لازمه را در سفارش و تقویت عمل آنها صادر فرموده، قدغن‌اکید فرمایند تا اینکه بعد از ورود بنخاک ایران برای آنها معطلی روندهد و بآسودگی مشغول ملاحظات خود بوده، بتوانند مأموریت خود را بخوبی و موافق قاعده سرانجام بدهند. چون برای پیشرفت این عمل زبان‌دان لازم است، مسیوالیون کتابچی را همراه مهندسین خواهد فرستاد و کتابچی مأموریت دارد که بعد از ورود برشت خود را بدارالخلافة برساند و مطالب لازمه را بعرض حضور حضرت اشرف ارفع بندگانعالی برساند، تا اینکه بصلاحدید و تقویت کریمانه علیه عالیه این عمل خیر که کلید و مفتاح ترقیات آتیه خواهد بود از فضل خدای متعال و از یمین تربیت بندگان اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه و از همت و غیرت و خیر— خواهی اشرف اکرم بمبارکی و سعادت سرانجام بگیرد.

۲۱ شهر جمادی الاخر ۱۲۹۶

عریضة مورخه پنجم شهر رجب ۱۲۹۶ نمره ۱۳۹ مشتمل يك طرفه خداوندگارا مهندسین راه‌آهن عازم شدند. انشاءالله عنقریب وارد مقصد خواهد شد. مسیوالیون، الیوم که پنجم رجب است

مسیوکتاچی را نیز از جانب خود بدارالخلافة روانه مینماید که برای سهولت عمل همه وقت ملتزم رکاب بوده و در انجام خدمات مربوطه حاضر و مهیا باشد. مسیوالیون عریضه بحضور مبارک عرض کرده و بعضی پیغامات باو داده است که بعرض حضور برساند. خیال او در باب ساختن راه آهن، خدمتگذاری است و در حقیقت با این حالت ایام، در فرستان مهندسین هنرها بکار برده است و باعتقاد مردم اینجا بهمین واسطه تکلیف خود را بعمل آورده است. حالاً در عالم دولت و ملت خواهی باید اولیای دولت علیه نیز در پیشرفت و سهولت عمل راه آهن اهتمامات خود را بکار ببرند تا اینکه از برکت و یمین تربیت آنها، این راه آهن که متضمن منافع و فواید کلیه خواهد شد در ایران رواج بگیرد و راه بیفتد. کتابچی در باب شراکت ایرانی‌ها در استقراض و جوهات راه آهن مأمور است عرایض مسیو الیون را بعرض حضور عالی برساند. هرگاه اجرای خیالات مشارالیه بحالت حالیه ایرانی‌ها منافات نداشته باشد، چه عیب دارد ماها هم در ساختن راه آهن شرکت و اعانت نمائیم. خلاصه مقصود این است که این عمل پیشرفت بکند، البته اولیای دولت علیه اسباب پیشرفت اینگونه کارها را بهتر میدانند و راهنمایی را بهتر از همه کسی خواهند کرد. حامل این عریضه خود کتابچی است. عرایض خود را موافق دستور العمل که دارد شخصاً بعرض خواهد رسانید. چون در این عمل راه آهن خیلی زحمت کشیده است و از همه بابت مستحق هرگونه الطاف و مراحم اولیای دولت علیه شده است، لهذا استدعا مینمایم که التفات خود را در حق مشارالیه دریغ و مضایقه ننموده بطوری او را سرافراز فرمایند که در بین امثال و مقارن همیشه سرافراز و مباحی باشد.

۵ شهر رجب ۱۲۹۶